

## کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان  
Tel: 00358 405758250  
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

منصور حکمت  
www.m-hekmat.com

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



# ایسکرا ۵۰۰

۱۶ دی ۱۳۸۸، ۶ ژانویه ۲۰۱۰ چهارشنبه ها منتشر میشود

Iskraa\_nkk@yahoo.com

سر دبیر: منصور فرزاد - عبدال گلپریان

## عربده کشی حاکمین جنایت کار را خفه خواهیم کرد!

## حزب دمکرات کردستان برای مذاکره با جمهوری اسلامی اعلام آمادگی کرده است مصاحبه ایسکرا با محمد آسگران



قدیمی که به شاخه مصطفی هجری معروف است و دومی خود را حزب دمکرات کردستان نامیده است. حزبی که خالد عزیزی اکنون سمت دبیری آنرا عهده دار است شاخه عبدالله حسن زاده است. این ریزش نیرو و چند شقه شدن حزب دمکرات در این چند سال اخیر را باید در پرتو شکست سیاستهای آمریکا در عراق و سرگردانی کل جریانات ناسیونالیست کرد بویژه جریانات حاکم بر کردستان عراق دید، که تاثیر زیادی در بحران و بی افقی این جریان داشته است.

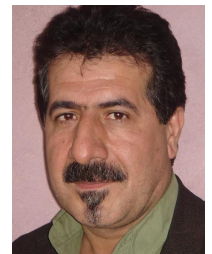
اینکه خالد عزیزی در این مصاحبه چه چیزی میگوید و از جمهوری اسلامی چه میخواهد در مصاحبه او کاملا واضح بیان شده است. او و دیگر رهبران حزب مربوطه بعد از شکستهای پی در پی سیاستهایشان در چند سال گذشته به این قناعت رسیده اند که هیچ راهی بجز سازش و همگامی با جمهوری اسلامی برای آنها باقی نمانده است. ما اینرا در قطعنامه اوضاع سیاسی کردستان، مصوب کناره ۷ حزب کمونیست کارگری به روشنی بیان کرده ایم که این جریانات با بی افقی کامل مواجه شده و بعد از تحولاتی که در منطقه ایجاد شده است با رژیم اسلامی از در مذاکره وارد

از سوی دیگر همواره مذاکره با حکومت و یا به محض دیدن کوچکترین چراغ سبز با کله بسوی حکومت رفتن، البته نادیده نباید گرفت، تعدادی از رهبران این حزب و از جمله قاسم سلو در جریان مذاکره با جمهوری اسلامی جانشان را از دست دادند، بهر حال اکنون خالد عزیزی در مورد مذاکره با جمهوری اسلامی حرف میزند. اولین سوال اینست، او چه میگوید و از حکومت اسلامی چه میخواهد؟

محمد آسگران:

اولاً سیاست مذاکره و سازش حزب دمکرات کردستان با جمهوری اسلامی تابو شکنی نیست. زیرا این حزب همیشه آماده مذاکره و سازش بوده است. این جمهوری اسلامی از یک طرف و فشار رادیکالیسم مردم در کردستان از طرف دیگر بود که تا کنون مانع معامله و سازش حزب دمکرات با جمهوری اسلامی شده است.

اجازه بدهید ابتدا برای خوانندگان شما توضیح بدهم که در چند سال گذشته این حزب هم ریزش نیرو داشته و هم چند شقه شده است. اکنون دو حزب به اسم حزب دمکرات وجود دارد. یکی از آنها اسم خودش را حزب دمکرات کردستان ایران یعنی همان اسم



خالد عزیزی رهبر حزب دمکرات کردستان در یک مصاحبه با هفته نامه "روداو" که به زبان کردی در کردستان عراق منتشر میشود سیاستها و مواضعی را مطرح کرده است که میتوان گفت متفاوت با برخی از سیاستهای تا کنونی این حزب است. در گفتگو با محمد آسگران به بررسی این مصاحبه خالد عزیزی میپردازیم. این گفتگو را در دو قسمت در نشریه ایسکرا منتشر میکنیم.

عبدال گلپریان:

اخیرا در مصاحبه مفصل خالد عزیزی در هفته نامه "روداو" از مسائلی صحبت شده که بعضا تابوشکنی و بعضا سیاستهای جدیدی است، از رابطه این حزب با جمهوری اسلامی شروع میکنم. حزب دمکرات کردستان ایران در سی سال گذشته رابطه معینی با حکومت داشته است، از یکسو جنگ مسلحانه و پیشرگایستی و

آنچه این روزها شاهدیم تقلا و دست و پا زدن نیروهای حافظ نظام توحش اسلامی در برابر انقلابی انسانی و میلیونی است که فوری ترین هدف خود را در هم کوبیدن کل دستگاه توحش و چپاول اسلامی حاکم قرار داده است. تهدید اعدام و کف بر دهان آوردن خامنه ای و احمدی نژاد و اژه ای و رادان و آخوندهای رنگارنگ و قضاات و روزنامه ها و مبلغین مزدور و سران جنایتکار نیروهای سرکوب و خیل شکنجه گران حکومت علیه مردم تظاهر کننده، آخرین حربه ای است که میخواهند بدان متوسل شوند. میگویند دیگر کاسه صبرشان لبریز شده است. میگویند دیگر "حجت تمام شد". مردم میلیونی را عاملان بیگانه و "اوباش" و اراذل میخوانند و آنها را به چوبه های دار و شکنجه گاههایشان حواله میدهند. حاکمان

صفحه ۲

صفحه ۲

### رژیم اسلامی و نفس های آخر

رضا فتحی صفحه ۴

### قوم گرایان داغدار از مرگ منتظری

آوات فرخی صفحه ۴

### دیگر هیچ قدرتی نمی تواند این اوضاع را مهار کند

محمد امین گمانگر صفحه ۵

### ترجمه کردی "قطعنامه در باره اوضاع سیاسی کردستان و وظایف ما" مصوب کنگره هفتم حزب کمونیست کارگری

صفحه ۶

### ترور و دستگیری فعالین کارگری را محکوم میکنیم

صفحه ۸

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## حزب دمکرات کردستان برای مذاکره با جمهوری اسلامی ...

ازصفحه ۱

میشوند. آنچه به عنوان تابو شکنی از مصاحبه او اسم برده می شود صراحت بیشتری در بیان سیاستهای حزب دمکرات است که قبلاً در لفافه بیان میشد. اکنون او بدون لکت کلام میگوید جمهوری اسلامی حاضر به قبول فدرالیسم و خودمختاری نیست و حزب دمکرات هم شعار سرنگونی رژیم را از سیاستهای خود حذف کرده است تا بتواند راه سازشی پیدا کند. بر مبنای این ارزیابی او اعلام کرده است که حزبش آماده مذاکره و سازش با جمهوری اسلامی است. هدف چنین مذاکره ای را هم اجازه برگشتن به ایران اعلام کرده است. تنها ضمانتی که از جمهوری اسلامی خواسته است این است که آنها را دستگیر و اعدام نکند!

اودر این مصاحبه با هفته نامه روداو رسماً اعلام کرده است که اگر فقط آن‌ها را دستگیر و اعدام نکنند حاضر هستند به ایران برگردند و به مبارزه مدنی روی آورند. مبارزه مدنی اسم مستعار عجز و درمماندگی و بی افقی حزبی است که قبلاً فکر میکرد با نیروی پیشمرگ میتواند به سهیم شدن در قدرت برسد، این عملی نشد. به سیاست آمریکا پناه بردند و میخواستند مثل طالبانی و بارزانی در سایه توپ و بمب و موشک آمریکا به نان و نوابی برسند، این هم شکست خورد. اکنون فقط این مانده است که کوتاه بیایند و بگویند اگر ما را نکشند به ایران برمیگردیم. بیان این سیاست اسمش تابو شکنی نیست بلکه عجز و درمماندگی و شکست افق سیاسی ناسیونالیسم کرد است.

**عبدل گلپریان: همچنانکه شما هم اشاره کردید رهبر حزب دمکرات خواهان مذاکره با حکومت است و شعار سرنگونی حکومت اسلامی را کاملاً کنار گذاشته است، ایشان میگوید خودمختاری و فدرالیسم استراتژی ماست، ولی وقتی حکومت اسلامی برای این خواستهها شانه بالا می اندازد، فعلاً فقط امنیت میخواهیم و سپس به ایران رفته و فعالیت میکنیم، البته ادامه میدهد که منظور از فعالیت شرکت در انتخابات شورای اسلامی و شوراهای محلی است، آیا این شعار**

در اوضاع فعلی ایران یک تف سربالا نیست؟

محمدآسنگران: ببینید همچنانکه بالاتر تأکید کردم حزب دمکرات در کردستان با اتکا به فعالیت نظامی خود را تعریف کرده بود. اکنون رهبرشان اعلام کرده است این عرصه کارایی خودش را از دست داده است. در عین حال این حزب هیچ وقت نخواسته است که جنبشهای اجتماعی برای مطالبات خود پا به میدان بگذارند. روزنه بحران سازی در مرزها هم فعلاً به دلیل شکست سیاستهای آمریکا در عراق و سرگردانی حاکمان کردستان عراق کور شده است. بنابر این راه دیگری بجز سازش با جمهوری اسلامی برای خود نمی بینند. اینکه جمهوری اسلامی خود در سراسیمه سقوط قرار گرفته است مانع تلاش حزب دمکرات کردستان برای سازش نشده است. زیرا بیان این سیاست هم به معنای آمادگی و همکاری این حزب با جناح حاکم است و هم اعلام وفاداری به اصلاح طلبان حکومتی است. اعلام صریح آمادگی حزب دمکرات برای مذاکره و سازش با جمهوری اسلامی اساساً چشم دوختن به این تحولات است که فکر میکنند با یک تیر دو نشان را زده اند. آن‌ها تحلیلشان این است که اگر اصلاح طلبان حکومتی دست بالا پیدا کردند پیشا پیش حزب دمکرات آمادگی خود را برای همکاری با رفسنجانی و موسوی و کروبی و خاتمی بیان کرده است و اگر جناح حاکم همچنان در قدرت بماند میتواند حزب دمکرات را در کردستان هم پیمان خود قلمداد کند که مانع قدرتیگری جریانات چپ بشود. به قول خالد عزیزی تلاش کرده اند پارتنر(هم پیمان) خود را در مرکز پیدا کنند.

با این حساب هدف سیاستهای این حزب بر این مینا چیده شده است که جمهوری اسلامی فعلاً هست و باید راه سازش و مذاکره را با آن تدوین کنند. و یا دقیقتر بگویم آن‌ها تلاش میکنند با این سیاستها مردم را از تلاش برای سرنگونی جمهوری اسلامی برحذر بدارند. زیرا میدانند که با رفتن جمهوری اسلامی کل جناح اصلاح طلب حکومتی هم به

## عربده کشی حاکمین جنایت کار ...

ازصفحه ۱



شرع و احکام بیشمار اعدامهایشان را یاد آور میشوند. وزارت اطلاعات و بسیج و سپاهشان را برخ مردم میکشند. آمادگی رزمی شان و قدرت ضد شورش خود را جلوی چشمان میگذارند. ظرفیت خونریزی و جنایت و آدمکشی شان را نعره میزنند و عده ای از وزدگان و دست اندرکاران سابق همین حکومت نیز شمشیرهای از روسته جانیان را نشان میدهند و با وقاحت رو به مردم موعظه میکنند که "خشونت نکنید" تا اینها ساکت شوند!

حزب کمونیست کارگری به همه دست اندرکاران امروز و سابق حکومت اعلام میکند که هیچ راهی برای نجات این حکومت باقی نمانده است. جمهوری اسلامی باید برود. مردم از زیر جنایت کاریها و آدم کشی ها کمر راست کرده اند و پا به میدان گنارده اند تا کل این بساط را جمع کنند و به زباله دان پرتاب کنند. شما حاکمین منحوس تاکنون هم کم نکشته اید و شکنجه و جنایت و آدمخواری کم نکرده اید. نه فقط طی سی سال گذشته، بلکه طی همین هفت ماه گذشته تا کنون تهدید و لشکرکشی و جنایت و تجاوز و شکنجه های وحشیانه تان زبانزد همه مردم جهان شده است. عزیزان بسیاری از مردم را قربانی کرده اید. اما مردم عقب نمی نشینند. جوانان و زنان، کارگران و دانشجویان، معلمان و پرستاران و همه مردم شریف و به خوش آمده، زندگی انسانی میخواهند. تحقیر و سرکوب و تهدید و توهین و تبعیض نمیخواهند. بساط اسلامی و خرافه و جهل و عقب ماندگی نمیخواهند. حجاب و آپارتاید جنسی نمیخواهند. اعدام و زندان و وحشی گری و بیرحمی نمیخواهند. انقلاب آمده است تا جامعه ای انسانی را برپا کند. انقلاب آمده است تا زندگی و حرمت و منزلت را به مردم بازگرداند. انقلاب آمده است تا رفاه و مسکن و اختیار و حق

پایان عمر خود میرسند و آن وقت امکان دست بالا پیدا کردن جنبش کارگری و چپ جامعه بیشتر خواهد بود و چه کسی جز حزب دمکرات و ناسیونالیسم کرد میتواند بفهمد در جامعه قطبی و حزبی شده در کردستان که چه نفوذ و تشکیلات دارد، سرگذشت احزاب قدیمی و کهنه ناسیونالیستی چه خواهد شد. این حزب با سیاستها و فرهنگ قدیمی و عتیق شده به تاریخ سپرده خواهد شد و دیگر نمیتواند با دفاع قهرمانانه از کردآیتی به جایی برسد. فعلاً اولویت آن‌ها همانند همه جریانات بورژوازی این است که در مقابل چپ جامعه صف آرایی کنند. این هدفی است که حزب دمکرات برای رسیدن به آن حاضر است از خودمختاری و فدرالیسمش هم بگذرد و آنرا استراتژی خود بداند، نه سیاستی که باید فوری متحقق شود. بیان این سیاست در عین حال شکست طرح و سیاست همه فدرالیست چپهای قومی در ایران هم هست.

**عبدل گلپریان: اصلاً پدیده سرنگونی طلبی و سیاستهای کجدار و مریز حزب دمکرات در مورد حکومت اسلامی در طول سی سال گذشته چگونه بود؟**

محمد آسنگران: حزب دمکرات از همان اوایل سرکار آمدن جمهوری اسلامی نمیخواست در مقابل آن قرار گیرد. به قول خالد عزیزی قاسملو تلاش زیادی کرد که با امام خمینی کنار بیاید اما جمهوری اسلامی قبول نکرد. او میگوید طرح خودمختاری را قبول نکردند و گفتند این یک ترمنولوژی غربی است آنرا ابتدا به خودگردانی تغییر دادند و بعداً به طرح ۲۶ ماده ای و بلاخره طرح ۶ ماده ای شد اما اینرا هم قبول نکردند. بیان این سیاست به این شکل به وضوح دارد میگوید که ما آماده بودیم و هستیم که هر نوع سازشی را بپذیریم اما جمهوری اسلامی باید این سازش را قبول کند. بنابر این از زبان رهبران این حزب ما می شنویم که حزب دمکرات هیچ وقت یک جریان سرنگونی طلب نبوده است. جنگ اش با جمهوری اسلامی هم اساساً برای کسب امتیاز

## حزب دمکرات کردستان برای مذاکره با جمهوری اسلامی ...

از صفحه ۲

و شریک شدن در قدرت بوده است نه برای سرنگونی رژیم که حداقل پرونده کشتن و قتل عمد صد هزار انسان را در پرونده خود دارد روزمره بر این جنایت افزوده میشود. مشکل حزب دمکرات این همه جنایت نبوده و نیست. اکنون هم با صراحت گفته اند که شعار سرنگونی جمهوری اسلامی را از سیاست خود حذف کرده اند.

**عبیل گلپریان: جالب است در شرایطی که مردم به خیابان آمده و در ابعادی میلیونی شعار سرنگونی جمهوری اسلامی را سر میدهند، حزب دمکرات برخلاف این جنبش به یاد کنار آمدن با حکومت اسلامی افتاده است. چرا؟**

محمد آسنگران: حزب دمکرات کردستان با همه جناحهایش حزب بورژوازی کرد در کردستان است. بورژوازی کرد منافع خود را نه در گسترش اعتراضات اخیر و انقلابی زیرو رو کننده، بلکه در چانه زنی و معامله و سازش برای سهیم شدن در قدرت میبیند. بنابر این حزب دمکرات اتفاقاً این بار تلاش کرده است با صراحت بیشتری خود را حزب بورژوازی کرد معرفی کند. همچنانکه اصلاح طلبان حکومتی از رادیکالیسم انقلاب در ایران لرزه بر تنشاند افتاده، حزب دمکرات هم زنگ خطر را شنیده و میخواهد به هر قیمتی شده دین خود را به سرمایه داران کرد برای حفظ منافعشان ادا کند.

**عبیل گلپریان: یعنی میخواهید بگوئید سرمایه داران کرد، طرفدار حکومت اسلامی هستند؟ اگر چنین است چرا آنها از طرف دولت مرکزی تحت فشار هستند؟**

ببینید واقعیت این است که اکنون نه تنها در کردستان بلکه در تمام دنیا صاحبان سرمایه مرز و ملیت و مذهب و تمام مقدساتی که خودشان ساخته و پرداخته اند را در نور دیده و به دنبال کسب سود هستند. برای صاحب سرمایه مهم این است که کسب سود بیشتر بکند. سرمایه داران کردستان هم نفعشان در این است که به عنوان یک طبقه با هم طبقه ایهای خود در مرکز و دیگر مناطق ایران سیاست واحدی را پیش ببرند. اگر از جمهوری اسلامی

ناراضی هستند به دلیل محدودیتهایی است که این رژیم با ایدئولوژی اسلامی و قوانین دست و پاگیر امکان اینرا فراهم نمیکند که اینها وارد بازار جهانی بشوند. در عین حال سرمایه داران کرد سهم خود را از قدرت و حاکمیت میخواهند. به همین دلیل سرمایه داران هم اختلاف منافع دارند و هر بخشی سهم خود را از سود و قدرت در جامعه میخواهد. حزب دمکرات هم چیزی بجز این از جمهوری اسلامی نخواسته است.

**عبیل گلپریان: خالد عزیزی در این مصاحبه در مورد جنبش سبز حرف میزند، ولی کاملاً در چهارچوب سیاستهای اصلاح طلبان حکومتی، گویی این جنبش فقط منحصر به موسوی و شرکا است، و گویا همه این جنبش سبز است نظر شما چیست؟**

محمد آسنگران: حزب دمکرات اینرا میگوید که وفاداری خود را به اصلاح طلبان حکومتی تأکید کرده باشد. البته این حزب فقط امروز نیست که از مبارزات حق طلبانه مردم تبری جسته است. این حزب در کردستان به این شناخته شده است که همیشه در مقابل خواستها و اعتراضات بر حق مردم از منافع سرمایه داران و ملاکین دفاع کرده است. ترور و کشتن فعالین کارگری در کردستان و تهدید فعالین جنبشهای اعتراضی سیاست همیشه حزب دمکرات بوده است.

اکنون هم حزب دمکرات خود را متحد موسوی و کروی و رفسنجانی میداند و از اعتراضات مردم در مقابل جمهوری اسلامی خشنود نیست. به همین دلیل این حزب از کاندیداتوری کروی برای ریاست جمهوری دفاع کرد. و اکنون هم به همه جناحهای جمهوری اسلامی اعلام کرده است که آماده مذاکره و سازش به هر قیمتی است. آنها متوجه شده اند که این اعتراضات جاری در ایران خواه ناخواه دامنه اش به کردستان خواهد رسید و از همین حالا دارند میگویند که حزب دمکرات نمیخواهد جمهوری اسلامی را سرنگون کند.

چیزی که از جمهوری اسلامی مطالبه کرده اند نه خواست و

مطالبات مردم کردستان که ۳۰ سال است برای آن مبارزه میکنند، بلکه فقط اجازه فعالیت به آنها داده شود کافی است. این تمام توقع و انتظاری است که رهبر حزب دمکرات کردستان میخواهد در مذاکره با جمهوری اسلامی به آن برسد. البته مقامات جمهوری اسلامی هم از زبان سرکنسولگری رژیم در هولیر (ارییل) عراق به این خواست عزیزی جواب مثبت و تحقیر آمیزی داده است. او اعلام کرده است که آنها آماده هستند امکان بازگشت افراد ایرانی مقیم عراق را به ایران فراهم کنند. همین نشریه روداو که با عزیزی مصاحبه کرده است با سرکنسولگری جمهوری اسلامی در ارییل هم مصاحبه ای ترتیب داد است و او در آن مصاحبه گفته است که جمهوری اسلامی حاضر است در مورد گفته های عزیزی مذاکره کند.

زیرا به قول این سرکنسولگری اکنون که کسانی پیدا شده اند "عاقلا نه" حرف بزنند آنها هم در چهارچوب قوانین جمهوری اسلامی میتوانند مذاکره کنند. برای اطمینان هم اعلام کرده است که چند صد نفر از افراد مجاهدین به ایران بازگشته و مشکلی نبوده، افراد جریان دیگر هم میتوانند به ایران بازگردند و در چهارچوب قوانین جمهوری اسلامی فعالیت کنند.

**عبیل گلپریان: ولی در این مصاحبه سرکنسول حکومت اسلامی اعلام کرده، کسانی که قتلی انجام نداده و ... در امان هستند و به نوعی اعلام کرده، افراد میتوانند برگردند و نه سازمان با اسم و رسم، درست است؟**

محمد آسنگران: از گفته های سرکنسولگری جمهوری اسلامی میتوان فهمید هم میخواهد یک نیروی اپوزیسیون ذلیل شده مثل حزب دمکرات کردستان را تحقیر کند و هم آنها را به زیر چتر جمهوری

اسلامی هدایت کند. او میگوید کسانی که مقامات جمهوری اسلامی را ترور کرده باشند محاکمه خواهند کرد. اما همزمان اطمینان میدهد که مشکلمان فقط با تعداد محدودی در سازمان مجاهدین خلق است، بقیه به طور فردی میتوانند به ایران بازگردند و شامل عفو عمومی جمهوری اسلامی شوند! این جوابی است که جمهوری اسلامی بدون اینکه اسمی از حزب دمکرات ببرد به تقاضای مذاکره رهبر این حزب داده است. هر دو مصاحبه را یک هفته نامه به اسم "روداو" در کردستان عراق ترتیب داده و چاپ کرده است.

**عبیل گلپریان: یک جنبه مصاحبه این است که حزب دمکرات میخواهد به پایه دوم خردادی خود و یا به جماعتی البته از "کردهای مبارز از نوع رمضان زاده" وصل شود که "علنی فعالیت میکنند"، این را چگونه می بینید؟ عزیزی میگوید ما دنبال پارتیتر در تهران میگردیم.**

محمد آسنگران: به نظر عزیزی سیاستهای حزب دمکرات کردستان را بهتر از بقیه همکیشان خود نمایندگی کرده است. اینها چیزی علاوه بر آنچه بهالدین ادب و رمضانزاده ... در مجلس شورای اسلامی خواسته اند نمیخواهند. به همین دلیل آنها را متحدین خود اعلام کرده و میخواهد حزب دمکرات و ناسیونالیسم کرد را به همان راهی تشویق کند که بهالدین ادب قبل از مرگش و رمضانزاده و امثالهم امروز همچنان پیگیر آن هستند که در چهار چوب قوانین جمهوری اسلامی سهمی از قدرت به آنها هم برسد. این در عین حال نقد تاریخ ۳۰ ساله اخیر حزب دمکرات هم هست که به قول عزیزی نباید دنبال خواسته های غیر ممکن میرفتند. او گفته است که سرنگونی جمهوری اسلامی وظیفه مردم کردستان نیست. او همچنین تأکید کرده است که خواست فعلی حزب دمکرات کسب اجازه فعالیت

"مدنی" برای حزیش در کردستان ایران است. فدرالیسم را به عنوان استراتژی حزیش اعلام کرده و فعلاً آنرا عملی نمیداند. به همین دلیل این رهبر حزب دمکرات کردستان میگوید به نسبت تعادل قوا باید خواسته ها را مطرح کرد. بنابر این نه تنها به خواست و مطالبات مردم حتی اشاره هم نمیشود، بلکه بقیه مطالباتی که تا کنون این حزب مطرح کرده هم کنار گذاشته میشود.

اگر قاسم ۲۵ سال قبل نوشت سوسیالیسم برای کردستان زود است و باید بعد از ۲۵ سال این خواست مطرح شود اکنون در پایان ۲۵ ساله مورد نظر قاسم حزب دمکرات باید از سرنگونی طلبی و هر نوع خواست و مطالبه دیگر هم فاصله بگیرد تا بتواند با حکومت فاشیست اسلامی بسازد. اینرا خالد عزیزی رسماً اعلام کرده است. ما همان وقت در نقد قاسم گفتیم که سیاستهای حزب دمکرات از واقعیات جامعه کردستان به دور است و سوسیالیسم مورد نظر او کاریکاتوری از سوسیال دمکراسی است که در کردستان لباس ناسیونالیسم کرد را هم به تنش کرده اند. امروز حقانیت پیش بینیها و تحلیل کمونیستهای کردستان عیانتر از آن شده است که احتیاج به استدلال داشته باشد. سیاست حزب دمکرات همین بود که اکنون خالد عزیزی بدون پرده پوشی آنرا بیان کرده است. آنها میخواهند همانند اصلاح طلبان حکومتی در کردستان بخشی از این حکومت باشند. برای رسیدن به این مینده فاصله حزب دمکرات ابتدا باید گدایی اجازه فعالیت از جانیاتکاران حاکم بر ایران را بکند. غافل از اینکه همان دوم خردادیهایی که حزب دمکرات چشم امید به آنها دوخته است سرانشان اکنون در زندان هستند. این همواره دیر رسیدن و بی درایتی و بی کفایتی سیاسی، ماهیت واقعی این جریان است.

ادامه دارد

لینک مصاحبه های هفته نامه "روداو" با خالد عزیزی و سرکنسولگری جمهوری اسلامی

<http://www.rudaw.net/newspapers/rudaw/2009/88/05.pdf>

<http://www.rudaw.net/newspapers/rudaw/2009/88/05.pdf>

<http://www.rudaw.net/details.aspx?lang=Kurdish&page=articles&c=Hevpeyvyn&id=15002>



## رژیم اسلامی و نفس های آخر

### رضا فتحی

نمونه کوچک و عیانی از آن قتل عام هاست. از سوی دیگر حمله به زندگی و معیشت طبقه کارگر بود که از اولین روزهای به قدرت رسیدنش تا به امروز ادامه دارد. منحل کردن شوراهای کارگری و به جای آن شوراهای اسلامی، اخراج، دستگیری، تهدید زندان و اعدام فعالین و پیشروان کارگری که همچنان ادامه دارد (کارگران اتوبوس رانی تهران و حومه، کارگران نی شکرهفت تپه، کارگران پریس سنسندج، حمله به کارگران برگزارکننده مراسمهای روز جهانی کارگر در تهران و دیگر شهرها) اعدام کودکان، اعدامهای علنی و مخفی در سطح شهرها به اسم "اراذل و ایباش"، حمله و یورش به دانشجویان به دفعات مکرر و نمونه های بارز آن در ۱۸ تیرها، ۱۶ آذرها، حمله به کوی دانشگاه، اخراج و تهدید، تعلیق، دستگیری و زندانی و اعدام آنها و در یک کلام تعرض به ابتدایی ترین حق و حقوق کل شهروندان یک جامعه هفتاد میلیونی، کارنامه ننگین حکومت اسلامی طی سی سال اخیر بوده است.

حکومت اسلامی از ابتدای بقدرت رسیدنش تا به امروز، با کشتار و ریختن خون مردم، با تحمیل فقر و فلاکت بی حد و حصر خود را سرپا نگه داشته است تا بلکه بتواند چند روزی بیشتر بر اریکه قدرت بماند. اما مردم در جریان مضحکه انتخابات فرمایشی رژیم از زمینی که زیر پای کل جناحهای رژیم داغ کرده بودند از موقعیت استفاده کرده و حرکت انقلابی خود را برای پایان دادن به سی سال جنایت آغاز کردند. طی شش ماهی که از حرکت انقلابی مردم می گذرد، هر روز از روز قبل متحدتر و سازمان یافته تر به مقابله با رژیم می پردازند. جمهوری اسلامی دارد نفسهای آخرش را میکشد. مردم به خروش آمده این بار عزم جزم کرده اند تا این ماشین سرکوبگر را کاملاً درهم بشکنند. تا همینجا و طی شش ماه گذشته مردم توانسته اند این حکومت در حال سقوط را زمین گیر کنند. از همان روزهای اول حرکت انقلابی مردم معلوم بود که

## قوم گرایان داغدار از مرگ منتظری

کردستان در ۲۸ مرداد ۵۸ و کشتار مردم دست راست خمینی بود و در طول سالها سرکوب و کشتار مردم و سرکوب زنان و به اجبار و سرکوب حجاب بر سر کردن و فرستادنشان به کنج خانه ها و... بعنوان جانشین خمینی برگزیده شده بود اعتراض او به حکومت تنها و تنها بخاطر نگرانی از ضربه خوردن اسلام و بی اعتقادی مردم به اسلام بود تا بلکه بتواند طول عمر حکومت اسلامی را افزایش دهد و در نامه ها و بیانیه های خود از این نگرانی به وضوح سخن گفته بود.

مردمی که نه تنها اسلام و دین و آخوند و مناسک و مراسم مذهبی را قبول ندارند بلکه از آنها برای جوك و لطفیه های سرگرم کننده و خنده دار استفاده می کنند و جایگاه آخوندهایی مانند منتظری را باید در لطفیه های مردم جستجو کرد و دیدیم که چگونه در روز عاشوا از روزهای مقدس و مذهبی رژیم، سران حکومت را به ترس و وحشت انداختند و شادی خود از مرگ مذهب را نشان دادند که حتی بسیاری از رسانه ها و مطبوعات در نقاط مختلف دنیا ابراز کردند که حکومت دینی در ایران دیگر شانس ندارد.

مردم چنان مبارزاتشان را با قدرت پیش می برند که هر گونه تقلایی برای جلوگیری از پایان عمر حکومت سیاه اسلامی دیگر بی فایده است. مردم نشان داده اند که تنها در خیابان و از طریق مبارزه و سرنگونی این حکومت است که می توانند به خواستهای انسانی خود برسند و اگر احزابی مانند حزب دمکرات کردستان (هر دو شاخه) بخاطر منافع خود نمی خواهند قبول کنند و هنوز به این باور نرسیده اند نشان از عقب ماندگی و بی ربط بودنشان به مبارزات مردم است و بس.

۲ ژانویه ۲۰۱۰

واقعاً که این احزاب عقب مانده و حاشیه ای با بیانات و موضع گیری هایشان، علاوه بر اینکه می خواهند مبارزه آزادیخواهانه مردم را زیر سوال ببرند آشکارا به شعور سیاسی مردم توهین می کنند. در توهمات خود بعنوان رهبر "کردها" و برای دست یابی به ژاندارمی بر چند روستا و کلاتری، خواب به قدرت رسیدن جریانات ناسیونالیست کردستان عراق را می بینند و همچنان این آرزو آقدر روی دلشان سنگینی کرده است که هر خزعلاتی را بر زبان جاری می کنند. بی افقی و سردرگمی این احزاب و خیالهای خامشان و مهمتر از همه به چه چرخیدن خواست و امیال مردم کردستان باعث شده است همانند یک توپ فوتبال به این طرف و آن طرف پرت شوند تا جاییکه امروز در میان مردم کردستان به نان به نرخ روز خور شهرت یافته اند. آنها همیشه نشان داده اند که تمام تقالایشان نه برای حل معضل مردم کردستان بلکه برای شریک شدن در قدرت است. در شرایطی که مردم در سراسر کشور دارند حکومت سی سال جنایت را جارو می کنند، حاضرند با یک حکومت در حال سقوط هم بسازند. احزاب دمکرات و دیگر جریانات ناسیونالیست کرد در هیچ دورانی نماینده خواست و مطالبات مردم کردستان نبوده اند بلکه به دنبال این بوده و هستند که خود را به نان و نوایی برسانند.

مردم کردستان در کنار همه مردم ایران خواهان به زیر کشیدن و سرنگونی حکومت جنایتکار اسلامی هستند و نیز کل دم و دستگاه این حکومت را با آخوند معترض و خنده به لب و رفرمیست و کت و شلوازی از نوع موسوی اش را به زیر خواهند کشید. مردم کردستان هنوز فراموش نکرده اند که منتظری در حمله و حشیانه حکومت اسلامی به



آوات فرخی

داشتم سایتهای اینترنتی را نگاه میکردم سری هم به سایت احزاب دمکرات کردستان ایران شاخه عبدالله حسن زاده و مصطفی هجری زد. سایت حزب عبدالله حسن زاده بیشتر به تابلوی اعلانات مجالس ترحیم شباهت داشت تا به سایت یک حزب سیاسی و به هرکدام از مطالب که نگاه میکردم آنقدر بیبربط به مسائل سیاسی و رویدادهای جامعه بودند، علاوه بر اینکه توجه من را جلب نکرد بلکه حامل را بهم زد اما بیانه ای که در رابطه با مرگ منتظری روی سایت بود من را بر آن داشت که چند جمله ای در رابطه با آن بنویسم. قبل از آن به سایت مصطفی هجری هم نگاهی انداختم که دست کمی از اولی نداشت و بیانیه ای در همین رابطه و به همان مضمون را دیدم. محتوای بیانیه این احزاب قوم پرست و حاشیه ای دور از انتظار نبود و آنها به حدی در دنیای عقب ماندگی خویش گرفتار هستند که گویا سالها از تاریخ مصرفشان گذشته است.

در بیانیه های مذکور چنان از منتظری تعریف و تمجید می کنند و او را متفاوت قلمداد کرده اند که من را بیاد نامه خیر مقدم این حزب به خمینی انداخت. می گویند که مردم رهبر اعتراضاتشان را از دست داده اند. انگاری که مردم به دعوت منتظری به خیابان آمده اند که رهبر اعتراضیشان باشد! او که بارها به مردم گفته بود که صبور باشند به خانه هایشان بروند و از راه قانونی خواسته هایشان را بیان کنند پس چطور شد که حالا قهرمان مبارزات مردم شده است؟

از نظر این جریانات قوم گرا و عقب مانده هم گویا مشکل مردم فقط خامنه ای است و با آخوندی از نوع منتظری هیچ مشکلی ندارند و همه مبارزاتشان بخاطر این بوده که آخوندی از نوع او در جایگاه خامنه ای باشد!

## زنده باد انقلاب انسانی

## برای یک حکومت انسانی



محمد امین کمانگر

## دیگر هیچ قدرتی نمی تواند این اوضاع را مهار کند

را به تمسخر می گرفتند اما در ششم دیماه ۸۸ و بر روی ستون فقرات حکومت اسلامی صحنه های پر شور مبارزه و اعتراضات علیه کلیت رژیم اسلامی را آفریدند. عاشورایی که از ارکان پایه ای رژیم اسلامی محسوب می شود. به عبارت دیگر جنبش امروز جنبشی است بسیار متمم، مدرن، سکولار، ضد مذهب، آزادیخواه و انسانی. سخن گویان این حرکت پرچمی را بر افراشته اند که انسانی ترین آرزو و امیال انسانی بر آن حک شده است. "یا سوسیالیسم یا بربریت"، یک کره ارض یک انسان، معیشت و منزلت حق مسلم ماست". گرایشات سیاسی مختلف و متفاوتی نیز در درون این اعتراضات و در درون این جنبش وجود دارند. اما با جنبش زمان شاه و انقلاب ۵۷ ادا قابل مقایسه نیست.

نسل انقلاب ۵۷ با نگاهی به این دوره می داند که روند مشابهی جلو چشم ما در حال وقوع است، اما با دو دنیای متفاوت و با اختلافهای غیر قابل باور. انقلاب ۵۷ قبل از سرکوب کردنش رهبری نداشت اما این انقلاب امروز از نظر امیال، افق و آرزوهایش رهبری دارد. از نظر سازمانیابی و متشکل شدن نیز بنا به هر قدم از پیشروی، سازمانیافته تر و متشکل تر نیز ظاهر خواهد شد. از صد و چهل سال پیش به این سو، تاریخ ایران

تواند این اوضاع را مهار کند. غولی که از شیشه بیرون آمده نمی توان آن را به درون شیشه برگرداند. پس از سی سال جنایت و تجاوز و کشتار، پس از بقتل رسانیدن بیش از ۱۵۰ هزار نفر از شریف ترین انسانهای آن مملکت به دست فاشیستهای اسلامی، هر دستی که بخواهد در مقابل این اوضاع و این حرکت انسانی سد و مانع ایجاد کند تحت هر نام و کمیتته، شورا و نهادهی، توسط طوفان کوبنده جوانان و مردم انقلابی کنار زده خواهد شد. طوفانی که گوشه هایی از آن در تظاهرات ششم دیماه هفته گذشته تمامی این طیف را به سر گیجه و داشت. شاید این جریانات و نیروهای سردرگم بخواهند شانس خود را در مانع تراشی امتحان کنند، اما نمی توانند در مقابل این طوفان کوبنده سد معبر ایجاد کرد. ظهور غول انقلاب از اعماق جامعه بر خاسته است و می خواهد به بی عدالتی، فقر، زندان، اعدام و هزار و یک سیه روزی نقطه پایانی بگذارد. این ضرورتی تاریخی در اوضاع سیاسی اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران است. اینها نمی توانند جلو انقلاب مردم را بگیرند.

در این فضای طوفانی ایران، اکثریت عظیم انسانها برای تأمین یک زندگی حداقل بخور و نمیر، نا چارند، شیره جان خود را بفروشدن تا ثروت و سامان و تمرکز تراکم میلیاردری را برای اقلیتی مفتخور و آیت الله های عصر حجری فراهم کنند. نا بودی تدریجی بی وقفه

شاهد این چنین حرکت و جنبشی علیه مذهب و آخوند نبوده است. به يك معنا رنساس دیگری در تاریخ معاصر است که می خواهد یکبار برای همیشه هیولای مذهب را در ایران و در قدرت و حاکمیت جارو کند. مردم بپا خاسته در ایران بدون اینکه به عظمت کاری که دارند می کنند واقف شوند، دارند غولی را در جامعه ایران جابجا و رهبری می کنند که پا به خیابانها گذاشته است و راست جامعه ایران چه در قدرت و چه اپوزیسیون، از بیت رهبری و مرکز اطلاعات سپاه پاسداران تا رفسنجانی، موسوی و کروبی تا زندان بانان و شکنجه گران دیروز و حقوق بشریهای امروز که در تلویزیونهای ماهواره ای در خارج کشور ادا ی رهبری در می آورند، تا توده ای اکثریتیایی که در طول این سی سال هیچگاه بند نافشان از رژیم اسلامی قطع نشده، همه را هراسناک کرده است. اینها دیگر نمی توانند نگرانیهایشان را پرده پوشی کنند. دارند جلسه می گیرند، توصیه می کنند که کمیته ای در خارج و داخل درست کنند تا بقول خودشان این اوضاع رادیکال را مهار کند، نامه می نویسند، پیام می دهند و نصیحت می کنند.

اما این تقلاها آب در هاون کوبیدن است. دیگر هیچ قدرتی نمی

انقلابی که در ایران شروع شده است و نسلی که با رژیم اسلامی ایران در افتاده است از هر نظر با انقلاب ۵۷ و جنبش ضد شاهی آن زمان قابل مقایسه نیست. فضای غالب بر انقلاب ۵۷ متأثر از فرهنگ شرق زده و ضد امپریالیست بود که می خواست بورژوازی خودی رشد کند و شاه هم سگ زنجیری آمریکا بود. جنش ضد امپریالیستی آن زمان تأثیر گرفته از اپوزیسیونی مانند حزب توده و جبهه ملی بود که اسلام در تار و پود آن نفوذ کرده بود آنچنان که، "کمونیستهایش" از مولا علی سوسیالیسم را می آموختند. اما پیشتازان جنبش انقلابی امروز جوانانی هستند که سی سال تغییر و تحولات عظیم و شگرف دنیا را تجربه کرده اند. مدرن و سکولار هستند، خواست و توقعات ماکسیمالیست و بدون تخفیف را می خواهند از هر فرصتی که دست بدهد استفاده می کنند و علیه رژیم اسلامی به میدان می آیند. سالهای قبل جوانان روز عاشورا ی حسینی را به شب حسین پارتی تبدیل می کردند و بنیادهای حکومت اسلامی

خانواده ها از هر لحاظ در ازای بالا رفتن ثروت و قدرت اقلیتی کوچک و در نتیجه به وجود آمدن شرایطی دردناک و ضد انسانی ای که انسانها برای حفظ بقای خود و زیر بنای تولید خود و نسل خود، به هر راهی کشیده شوند. از تن فروشی، تا فروش اعضای بدن، و باز نرسیدن به زندگی، تا تن دادن به هر کاری جهت فقط زنده ماندن. این است زندگی و سهم انسانها در حکومت اسلامی و نظام خدای عادل و این گوشه ای از جهنمی است که خداوند توسط نزدیکان خود برای بنده گانش در ایران نازل کرده است. دوزخ کهریزک گوشه ای از آن بود که توسط چند تن از فرشتگان خدا اداره می شد.

با وجود این انقلابی که در ایران شکل گرفته است بیان گر مبارزای بی امان با حکومتی است که می خواهد انسانیت انسان را به او بازگرداند. این جنبش در روند پیشروی و شکوفایی خود و برای در هم کوبیدن قدرت دشمن با بدست گرفتن این شعارها و جمع کردن نیرو به دور آن نه تنها می خواهد که معیشت و منزلت حق انکار ناپذیر هر انسانی باشد بلکه کل نابرابری اجتماعی را آشکارا ریشه کن کند. امروزه قوانین حاکم بر گردش امور و روند شرایط اسفباری که وجود دارد، این را می طلبد، این کلام این جنبش است و جامعه چنین، سوسیالیسمی را فرا می خواند. زنده باد انقلاب. زنده باد انسانیت.

۳۰ دسامبر ۲۰۰۹

بشریت را از این هیولا مصون خواهد داشت. مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی زنده باد آزادی برابری زنده باد باد جمهوری سوسیالیستی ۳ ژانویه ۲۰۱۰



توحش، فقر و جنایت حکومت اسلامی است. حکومت اسلامی رفتنی است. با سرنگونی رژیم اسلامی یک بار برای همیشه مذهب نه تنها در ایران بلکه در سطح جهانی دیگر قادر نخواهد بود کمر راست کند. پیروزی انقلاب در ایران،

برانگیخته است. دولتهای غربی که تا قبل از این حرکت پرشور مردم، مردم ایران را اسلامی خطاب می کردند و بخاطر منافع مادی، سود و سرمایه خود جامعه ایران را اسلامی قلمداد می کردند، اکنون در اوج ناباوری دارند می بینند که میلیونها نفر در این انقلاب چگونه مقدمات حکومت مذهبی را زیر ضرب گرفته اند. شعارهای مرگ بر اصل ولایت فقیه، آتش زدن و زیر پا له کردن عکس خمینی و خامنه ای جلاد بعنوان مظاهر اسلام و خدا لرزه بر پیکر سران نظام انداخته است. این انقلاب مردم ایران علیه سی سال

## رژیم اسلامی و ...

از صفحه ۴

خود رژیم تبدیل کرده اند. افکار عمومی در سطح جهانی نیز ماههاست که شاهد نبردی رودررو در خیابانهای تهران و دیگر شهرهای بزرگ ایران مابین مردم و حکومت است. افکار عمومی جهانی از طریق صدها خبرنگار، عکاس و فیلمبردارانی که خود در صحنه نبرد حضور دارند و با موبایلهایشان این جنگ هر روزه را به سرتاسر جهان مخابره می کنند، تحصین افکار عمومی را در سطح بین المللی

چگونه کل رژیم را به دست نشانه گرفته اند. میلیونها مردم عاصی از نکت حکومت اسلامی، از پیر و جوان، از کارگران، زنان، جوانان، دانشجویان و دیگر بخشهای مختلف مردم، مصمم تر از همیشه به مصاف با کثیف ترین حکومت تاریخ معاصر برخاستند. روزهای مقدس نظام را که روزهایی برای تحکیم پایه های این حکومت بود را تا کنون بر سرش خراب کرده اند و آنرا به تظاهراتهای میلیونی بر علیه

## پریار نامه سهارهت به هه لومه رگی سیاسی کوردستان و ئه رکه کانی ئی مه

متن حاضر ترجمه کردی  
 "قطعنامه در باره اوضاع  
 سیاسی کوردستان و وظایف ما"  
 مصوب کنگره هفتم حزب  
 کمونیست کارگری است که آنرا  
 در این شماره ایسکرا چاپ کرده  
 ایم.  
 ایسکرا

تییئه کوشن چالاکى خه لک به لاریدا بهرن. ئه که رچی له شاره کانی کوردستاندا به هوی هیندی هۆکاری دیاریکراوه وه تا کوو ئیستا شورش وه کوو بریک له شاره کانی بیکه خوی نه ناساندوه، به لام هه لومه رگی سیاسی تاییه تی کوردستان خوناساندنی به هیند و دیاریکراوی شورش له بهرچاوی خویدا داده نیت و حیزب بۆ مسوگه رکردنی تیده کوشیت. تیکوشانی حیزب و خه لک له کوردستاندا، جگه له رووخاندنی کوماری ئیسلامی، پووچه لکردن و به زانندی سیاسه تی دژی ئیسانی ره وه قه ومپه رسته کان و ناسیونالیزمی کورد له ده ستوری خویدا هه یه. له م رووه وه حیزب بۆ ریه ریکردن و به سه رکه وتوگه یاندنی شورش، به هوی هه لومه رگی تاییه تی سیاسی له کوردستان، جگه له سیاسه ته کان و کرده وه ی خوی له ئاستی سهرتاسه ریدا، تهرح و کرده وه ی تاییه تی له کوردستاندا له ده ستوری خوی دادهنیت.

بئه مای ئیکدانه وه ی هه لومه رگی سیاسی کوردستان و کاره تاییه تییه کانی حیزب به م جوریه:

۱. چهند هۆکاری میژوویی و سیاسی دیاریکراوه به رواله تیکی تاییه تییه کانی به هه لومه رگی سیاسی کوردستان به خشیوه ههروه ها ئه م هه لومه رجه به ره وه سیاسیه چه پ و راسته کانی کوردستانی له

بار و دۆخی تاییه تییدا دانوه. به دوا ی شورش سالی ۷۹دا، سه ره کیتترین پیوانه ی هه لومه رگی تاییه ت له کوردستان، سه ره له دانی کومه لایه تی و سیاسیه چینی کریکار بووه. چه له روویه روویه ونه وه له گه ل دژی شورش و رژیمی سه رکوتکه ری ئیسلامی و چه له برانبه ر کریکار له گه ل بزوتته وه ی حیزبه ناسیونالیسته کاند. حیزبی کومونیزمی کریکاری، وه ک به شی ریکراوی بزوتته وه ی کومونیزمی کریکاری، نوینه ری سیاسیه چینی کریکار و نوینه ری هه موو پیشره ویه کانی ئه م چینه و بزوتته وه ی کومونیزمی کریکاری بووه له بهرانبه ر کونه په رستی ئیسلامی و ناسیونالیزمدا. جگه له مه، به هوی جیگاریگی تاییه تمندی حیزب وه کوو جیگه و بانی چه پ له ئاستی سه رتاسه ریدا، حیزب به هیزیکی جیگامنه ی کریکاران و خه لکی نازادبخواز بۆ رزگاری کومه لگای کوردستان له کۆت و بهندی چه وسانه وه هه ر چه شنه زولمیک گۆراوه.

۲. له روانگه ی کومه لایه تییه وه، بار و دۆخی چه پ له کوردستان و په ره سه نندی کومونیزمی کریکاری له بزوتته وه ی کریکاری و بزوتته وه چه قخازانه کاند، خوی له گه لاله ی داخوازیه ئیسانی و پیشره وه کان له م بزوتته وانه دا و له شیوازی تیکوشانی کریکاران و خه لکی نازادبخازدا درده خات. به تاییه ت له م

ده به ی دوا ییدا، په ره سه نندی مانگرتی کریکاری و هاتنه مه یدانی رابه رانی ناسراو و ریکخراو و ئاشکراکانی هه لوسوراوانی کریکاری، بزوتته وه ی داکوکی له مافی مندالان له شیوازی مۆدیرن و بیوتنه، بزوتته وه ی رزگاری کولتوری گه نجه کان و بزوتته وه ی رزگاری ژن، وه هاتنه به رباسی بابه ت و ویستی رزگاریخازانه و به رابه ریکخازانه له م بزوتته وانه دا، نمونه گه لیک له بار و دۆخی بزوتته وه ی کومونیزمی کریکاری له کوردستاندا پیشان ده دات.

داخوازی و سونه ته پیشره وه کانی تیکوشانی ئه م بزوتته وه رزگاریخواز و مافخوازانه له کوردستاندا به شیک له حه ره که ی سه رتاسه ری خه لکی ئیرانه بۆ رووخانی کوماری ئیسلامی. له هه مان حالدا هیزشیکی جیبیه له دژی نه ریه کان و به ناسوی ناسیونالیزمی کورد دژمیردی.

۳. به هاشانی پته وکردنی جیگاریگی کومونیزمی کریکاری و په ره سه نندی نفووزی له کوردستان، جیگاریگی کومه لایه تی ناسیونالیزمی کورد دابه زیوه و حیزبه جۆراوجۆره کانی ئه م بزوتته وه یه توشی بی ئاسویی و پرشوبلاوی بوون. له لایه کی تره وه، شیوازی به ده سه لات گه یشتی ناسیونالیزمی کورد له عیراقتا، له ده ورا تیکدا بووه هوی ئه وه ی که حیزبه ناسیونالیسته کانی کورد له ئیران هیوا و ئومید به ده ستیوه ردانی ئاسو و سیاسه تی نه زمی نویی

ئه مریکا بۆ گه یشتن به ده سه لات بیهستن. فیدرالیزی قهومی و ئارزووی بوون به هیزیکی سه ربار بۆ هیزی عه سکه ری ئه مریکا، بوو به مه به ستی ستراتیژی حیزبه سونه تییه کانی ناسیونالیزمی کورد و تقمه قه ومپه رسته کان. به لام به تیکشکانی ئه مریکا له عیراقتا و ئالوگورمکانی دوا به وای له خودی ئه مریکا، ئه م ئاسویی ناسیونالیزمی کورد کویر بووه و له ئیستا ئه م ئاسویه جیگای خوی داوه به هاوکاری له گه ل رژیمی ئیسلامی.

حیزبه ده سه لاتداره کانی حاکم له کوردستانی عیراق، له لایه که وه به هوی تیکشکانی سیاسه ته کانی ئه مریکا له عیراقتا و مه سه له ناوخوبیه جۆراوجۆره کانی به رنه نجامی ئه م شکسته، توشی کوسپی جیدی بوون و له لایه کی تره وه به هوی نازمایی دهربرینی خه لک له دژی هه ژاری و گه نده لئی ئیداری ئاشکرای ده وه تی حاکم به سه ر کوردستانی عیراقتا له گه ل بی ئاسویی و سه رلئیشیواوییه کی قوول به ره وروو بوون و له لای خه لکه وه بی ئابروو بوون و جیگاریگی پشوی خویان له ناو خه لکا له ده ست داوه. کاریگه ری ئه م هه لومه رجه گشتیه به سه ر ره وه ناسیونالیسته کانی کورد له ناچه که دا، وه له لایه کی تره وه دورنمای رووخانی کوماری ئیسلامی به هیزی شورشگه رانه ی خه لک، هه رچی زیاتر بی ئاسویی و بی باوه ری ناسیونالیزمی کورد له ئیراندا بۆ خوی هیناوه.

## پریر نامه سه‌بارت به هه‌لومه‌رجی ...

۴. یه کیک له ناکامه گرنه کانی چوونه ژیر پرسیاری ناسو و سیاسه‌تی نه‌زمی نوئ بو به ده‌سه‌لات خزانندی ناسیونالیزمی کورد، گه رانه وه بو به کاره‌ینانی سیاسه‌تی سازان و خوجووتکرینه وه له گه‌ل رژی‌دا بوو. حیزبه قه ومپه رست و ناسیونالیسته‌کانی کورد هه‌ر چه‌نده ناماده‌بوونی خویان بو ساتوسه‌ودا له‌گه‌ل لایه‌تیک له کوماری نیسلای راکه یاند، به‌لام شورش و بزووتته‌وه‌ی مه‌زنی خه‌لک بو پرووخانی کوماری نیسلای نه م ناسویه‌ی کویر کرده‌وه. له‌م رووه‌وه ناسیونالیزمی کورد که جگه له م نوو ناسویه ریگیه‌ک له به‌رده‌می خویدا نابینی، به‌ته‌واوی له به‌رانبه‌ر شورشی خه‌لکی نازادخوازدا جیگیر ده‌بی و نه‌مرو به‌ده‌ستگرتتی ئالای فیئرالیزمی قه‌ومی، به‌ یه‌کیک له کونه‌په‌رستری و مه‌ترسیدارترین ره‌وته سیاسی‌کان له به‌رانبه‌ر بزووتته‌وه‌ی نازادخوازانه‌ی خه‌لکی کوردستاندا گورپوه.

۵. هه‌ر وه کوو باوه، مه‌سه‌له‌ی نه‌ته‌وه‌یی له کوردستاندا چوارچیه و کۆله‌که‌ی هه‌لسوورانی هیزه ناسیونالیسته‌کانی کورد بووه و وه‌لامی هه‌موو ئه‌م هیزانه به‌م مه‌سه‌له‌یه فیئرالیزم بووه. ره‌وته ناسیونالیسته‌کان و حیزب‌گه‌لی بۆرژوازیی کورد به‌دوای لابرنی سته‌می نه‌ته‌وه‌یییه‌وه‌ نین، به‌لکوو تیکۆشاون که بوونی سته‌می نه‌ته‌وه‌یی بکه‌ن به‌بنه‌ماه‌ک بو په‌ره‌پێدانی خورافه و ده‌م‌گه‌ریی نه‌ته‌وه‌یی و خۆ به‌هیزکردن، ساتوسه‌ودا له‌گه‌ل ده‌وله‌تی ناوه‌ندی له بانسه‌ری خه‌لکه‌وه، وه

سه‌ره‌نجام به‌ده‌سته‌ینانی به‌شیک له‌ده‌سه‌لاتی ده‌وله‌تی. ئه‌لتیئرناقی فیئرالی که له‌لایه‌ن هیزه‌ناسیونالیسته کورده‌کانه‌وه‌وه‌کوو ریگاچاره‌ی مه‌سه‌له‌ی نه‌ته‌وه‌یی و پرزگاری خه‌لکی کوردستاندا بانگه‌شه ده‌کریت، به‌کرده‌وه مه‌سه‌له‌ی نه‌ته‌وه‌یی له کوردستاندا جیکه‌وتوو دمکات و ئه‌ییت به‌هۆی ئژواربوونی کیشه‌نه‌ته‌وه‌یییه‌کان له‌تیوان خه‌لکی کوردستان و باقی ناوچه‌کانی ئێراندا.

۶. حیزبی کومونستی کریکاری ریگای پرزگاری کریکاران و زه‌حمه‌تکیشان له کوردستاندا، له‌هه‌موو هه‌لاوردن و نابهرابه‌رییه‌کان و هه‌روه‌ها له‌سته‌می نه‌ته‌وه‌یی، ژیاتکردن وه‌کوو هه‌والاتی مافی یه‌کسان له کومه‌لگه‌یه‌کی به‌رابه‌ر و نیسانی نه‌زانیت و خه‌لکی کوردستان بانگه‌واز ده‌کات که بو‌گه‌یشتن به‌وه‌ها کومه‌لگه‌یه‌ک تیکۆشن. به‌لام سه‌ره‌رای نه‌مه، نه‌گه‌ر خه‌لکی کوردستان له ریفرانۆمیک نازاددا ده‌نگ به‌جیا‌بوونه‌وه‌بدات، حیزب ئه‌م جیا‌بوونه‌وه‌یه به‌ره‌سمی ده‌ناسیت. ئیبه‌له‌به‌رانبه‌ر نه‌خشه‌جۆراوجۆره‌کانی ره‌وته ناسیونالیست و قه‌ومیه‌یه‌کان، ده‌سه‌لاتداره‌تی خه‌لک و به‌ده‌سته‌وه‌گرتتی نامرازه‌کانی هیز له‌لایه‌ن چینی کریکار و خه‌لکی ریخخراو له‌شوراکاتی خویاندا داده‌نین. دامه‌زراندنی کوماری سۆسیالیستی و نیشته‌جی بوونی حکومه‌تی شورایی له‌سه‌رتاسه‌ری ئێران و هه‌روه‌ها له کوردستان و به‌رگیری له جیگرتته‌وه‌ی هیز له‌ریگای هۆکاره‌کان و ده‌زگاکانی

بۆرژوازیی ناوخۆیی، بنه‌مای سیاسه‌تی حیزب و ریگای راسته‌قینه‌ی پرزگاری خه‌لکه‌.

۷. هۆکاری تیکۆشانی چه‌کدارانه و بوونی حیزبه چه‌کداره ناسیونالیسته‌کانی کورد، چه‌کدارکردنی خه‌لک له‌هه‌لومه‌رجی به‌رزبوونه‌وه‌ی تیکۆشانی سیاسی و له‌هه‌لومه‌رجیکدا که له‌باری هاوسه‌نگی هیز له‌تیوان خه‌لک و رژی‌نه‌م مه‌سه‌له‌یه‌سه‌ر بیه‌ت، به‌مه‌سه‌له‌یه‌کی پنیویست و چه‌تمی نه‌کات. له‌لایه‌کی تره‌وه‌هه‌لومه‌رجی تا راده‌یه‌ک ناسانی پینگه‌یشتی جه‌ماومری خه‌لک به‌چه‌ک، له‌هه‌لسه‌نگاندن له‌گه‌ل باقی ناوچه‌کانی ئێران و نه‌زمونی تیکۆشان و راه‌وه‌ستانی چه‌کدارانه‌ی جه‌ماوه‌ری له‌به‌رانبه‌ر هیزشه‌کانی حکومه‌تی ناوه‌ندی، شکه‌گرتتی تیکۆشانی چه‌کدارانه‌ی جه‌ماومری له‌کوردستاندا له‌هه‌لومه‌رجی به‌رزبوونه‌وه‌ی سیاسیدا مه‌یسه‌ر نه‌کات. له‌م رووه‌وه‌ناماده‌یی سیاسی، ریخخراوی وه‌تیارکردن بو چه‌کدارکردنی جه‌ماومری و راه‌په‌ریی چه‌کدارانه‌له‌دژی کوماری نیسلای و بو پاراستنی خه‌لک له‌به‌رانبه‌ر نه‌گه‌ری خراوکه‌ری ده‌سته و تاقمه‌چه‌کداره‌ناسیونالیست و قه‌ومپه‌رسته‌کان، هه‌ر له ئیستاه‌وه‌یه‌ی به‌شویه‌یه‌کی جیدی سه‌رنجی کریکاران و کومونیه‌یه‌کان له‌کوردستاندا بو‌لای خۆی راکیشی.

۸. سه‌ره‌رای لاوازیی جیگورپیگای ریخخراوه‌ی کومه‌لگه‌یه‌کی حیزبه ناسیونالیسته‌کان، نابی به هه‌رچی زیاتری

توانایی نه‌م حیزبانه‌بو زه‌برلیدان له‌هه‌ره‌که‌ی نازادخوازانه‌ی کریکاران و خه‌لکی زه‌حمه‌تکیش له کوردستاندا که‌م بایه‌خ‌بین. له‌م رووه‌وه‌حیزب بو پێش‌ره‌وی بزووتته‌وه‌ی کومونیزمی کریکاری له هه‌لومه‌رجی وه‌رچه‌رخاوی نه‌مرووی ئێراندا، ئاشکرا و ره‌خنه‌ی هه‌مه‌لایه‌نه‌ی ناسیونالیزمی کورد له‌شکلی نه‌ریخخواز یان قه‌ومیه‌گه‌ریدا له‌ده‌ستووردایه‌وه‌له‌هه‌ر هه‌لومه‌رجیکدا له‌دژی پیلانه‌دژی خه‌لکیه‌وه‌دژی شورش‌گه‌رانه‌حیزب و تاقمه‌ناسیونالیست و قه‌ومپه‌رست، ساتوسه‌ودای ئه‌وان له‌گه‌ل لایه‌تیک له‌رژی‌نه‌وه‌یان ده‌وله‌تی ناومندی و ده‌وله‌تی ناوچه‌که‌وه‌شکه‌پێدان به‌ده‌سه‌لاتی خۆسه‌لمانی بۆرژوازیی کورد له بانسه‌ری خه‌لکه‌وه تیکۆشیت.

۹. کرده‌می سیاسی حیزب له‌کوردستان هه‌ر وه‌ک ناوچه‌کانی تری ئێران، ریخخستن و ریئوینی بزووتته‌وه‌ی کریکاری و بزووتته‌وه‌ناره‌زایی ده‌ربه‌رینه‌کانی خه‌لک به‌ئالای سۆسیالیستی چینی کریکار له‌راستای به‌سه‌رکه‌وتووگه‌یاندی شورش، یانی رووخاندی کوماری نیسلای و دامه‌زراندنی کوماری سۆسیالیستیبه‌له‌هه‌مان کاتدا حیزب به‌له‌به‌رچاوگرتتی بزووتته‌وه‌ی شورش‌گه‌رانه‌له‌جه‌ریاندا و پێداویستی به‌لابردنی کوسپه‌کانی ریگر له‌به‌رانبه‌ری پێش‌ره‌وی شورش و له‌به‌رچاوگرتتی و به‌رچاوگرتتی هه‌لومه‌رجی تاییه‌تی سیاسی له‌کوردستان و به‌له‌به‌رچاوگرتتی پێش‌ره‌وی هه‌رچی زیاتری

بزووتته‌وه‌ی کومونیزمی کریکاری و بزووتته‌وه‌ی نازادخوازانه‌ی خه‌لک له کوردستان، بو‌نه‌نجامدانی ئه‌رکه‌تاییه‌تییه‌کانی خوارمه‌جه‌خت دمکات.

- ریخخستنی هیزی خه‌لکی شورش‌گه‌ری به‌مه‌به‌ستی تیکۆشاندنی کوماری نیسلای له‌کوردستاندا و دا‌بین‌کردنی هه‌لومه‌رجی سه‌پاندنی ده‌سه‌لاتی خه‌لک، ریخخستنی ده‌زگا و ریخخراوه‌جۆراوجۆره‌کانی مه‌یدانی ناره‌زایی کومه‌لگه‌یه‌تی، ریخخستنی شورا کریکاریه‌کان و ریخخراوه‌ و کومیته‌ ناوچه‌یییه‌کان بو‌سه‌پاندنی حکومه‌ت له‌به‌ده‌ستگرتتی کۆنترۆلی شار و گه‌رم‌که‌کان.

- ره‌خنه‌گرتن و ئاشکراکردنی ناسو و نه‌ته‌ره‌ناقی ناسیونالیستی و ره‌خنه‌ی شیلگه‌رانه‌ی سیاسه‌ت و کرده‌وه‌کانی هیز و حیزبه‌ناسیونالیسته‌کانی کورد. ناسیونالیزمی سونه‌تی و ناسیونالیزمی قه‌ومی کورد نه‌بی له‌باری بیرورا، سیاسی، وه‌کومه‌لگه‌یه‌تییه‌وه‌له‌به‌ره‌خنه‌ی ئیبه‌دا داینریت. حیزب ده‌توانیت وه‌ئیه‌ت به‌پشتبه‌ستن به‌جیگورپیگای تیکۆشانی شاری و چه‌پ و پێش‌ره‌وییه‌کانی کومونیزمی کریکاری، ناسیونالیزم له‌ناسنی کومه‌لگه‌یه‌تییه‌به‌ره‌خنه‌، گۆشه‌گیر بکریت و بخریته‌په‌راویزمه‌.

- رووبه‌رووبوونه‌وه‌له‌گه‌ل فیئرالیزم که له‌لایه‌ن حیزبه‌ناسیونالیسته‌کانی کورده‌وه‌وه‌کوو ریگاچاره‌ی مه‌سه‌له‌ی ئیبه‌ته‌وه‌یه‌ی پێشان ده‌دری، وه‌بانگه‌شه‌ و



## پریار نامه سه‌بارت به هلمومر جی ...

روونکر نهموی ریگچارهی شورشگیرانه و نینسانی حیزب که له پروگرامی دنیایه‌کی باشتر له به‌رانهر نه‌لته‌رناتیقه بۆرژوا بییه‌کاندا نووسراوه.

- ره‌خنه و ناشکرکردنی سازان و له‌گه‌لاهاتی ره‌وته ناسیونالیسته کاتی کورد له‌گه‌ل بزووتنه‌وه‌ی نهموی بیی ئیسلامی و لایه‌نه‌کانی رژیم و به‌ره‌نگاری له‌گه‌ل نه‌خنه‌کیشان و نه‌و سیاسه‌تانه‌ی که به‌ره‌به تیکوشان و هاوچاره‌نووسی و یه‌کگرتوویی خه‌لکی کوردستان له‌گه‌ل خه‌لکی ناوچه‌کاتی دیکه‌ی ئیران دژی کوماری ئیسلامیه.

- ریخستن و ریئوینی تیکوشانی کریکاری و تیکوشانی مؤنیرنی شاری و به‌هیزکردنی نه‌م‌جۆره نه‌ریته له‌تیکوشان له‌به‌رانهر نه‌ریته کاتی تیکوشانی پیشمه‌رگانه و پارتیزانی له‌کیو و دیهاته‌کان که رابردوویه‌کی میژینه‌ی له‌کوردستاندا هه‌یه.

- ریخستن و ریئوینی تیکوشانی کریکاری و تیکوشانی مؤنیرنی شاری و به‌هیزکردنی نه‌م‌جۆره نه‌ریته له‌تیکوشان له‌به‌رانهر نه‌ریته کاتی تیکوشانی پیشمه‌رگانه و پارتیزانی له‌کیو و دیهاته‌کان که رابردوویه‌کی میژینه‌ی له‌کوردستاندا هه‌یه.

**کۆنگره‌ی هه‌وته‌می حیزبی کۆمۆنیستی کریکاری ئیران**

۱۵ نهمری ۱۳۸۸ - ۶ دیسامبری ۲۰۰۹

**وه‌رگیرانی له‌فارسیه‌وه بو کوردی-عه‌بول‌گل‌په‌رین**

ئاماده‌بوون بۆ ریخستن و هیزی چه‌کدار له‌کوردستان. ئاماده‌بوون بۆ تیکوشانی چه‌کدارانه و چه‌کدارکردنی



## ترور و دستگیری فعالین کارگری را محکوم میکنیم



سریا ماندن جمهوری اسلامی نخواهد کرد. کارگران و مردم ستمدیده جامعه برای پایان دادن به فقر و آدم‌کشی این هیولای درمانده، وارد مبارزه‌ای بی‌امان برای تعیین تکلیف نهایی شده‌اند.

کمیته کردستان حزب ضمن محکوم کردن این عمل تروریستی رژیم اسلامی، مردم شرافتمند و همه کارگران را فرا می‌خواند که در محکومیت این عمل وحشیانه و برای پایان دادن به ترور و آدم‌کشی اوباشان اسلامی، متحدانه و یکپارچه به میدان بیایند.

**کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ۱۳ دی ۸۸ - ۳ ژانویه ۲۰۱۰**

استیصال‌گونه دست زده و هر بار با موجی از تنفر و انزجار عمومی روبرو شده است. رژیم در حال سقوط اسلامی تنها با گرسنه نگه داشتن کارگران و خانواده‌هایشان، با عدم پرداخت دستمزدهای معوقه و هزارویک فلاکت دیگر علیه کارگران بسنده نکرده بلکه به ترور و آدم‌کشی در روز روشن و در مقابل چشم مردم سعی در سرپا نگاه داشتن خود کرده است. در ادامه این اعمال جنایتکارانه جمهوری اسلامی اقدام به دستگیری و احضار تعداد دیگری از فعالین کارگری کرده است. دستگیری رضا رخشان از فعالین کارگری هفت تپه نمونه دیگری از تلاشهای رژیم اسلامی از سر استیصال است. اما این تقلابها تنها از سر درماندگی و شکست است. این جانیان خوب میدانند که با شروع اولین اعتصابات قدرتمند و کوبنده کارگری مهر پایان عمر حکومت ضد بشری اش کوبیده خواهد شد. ترور فعالین کارگری و دستگیری و احضار آنها هیچ‌گونه کمکی به

طبق خبری که ویلاگ کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری منتشر کرده است، بتاريخ ۱۰/۱۰/۸۸ ساعت یازده و چهل دقیقه شب چند نفر مسلح به منزل جمال کریم پور یکی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری واقع در روستای مولان آباد در منطقه سفز حمله کردند و ایشان را مورد اصابت چند گلوله کلت قرار دادند که در نتیجه جمال از ناحیه دست چپ مجروح شده و بعد از این عمل تروریستی، تروریستها با مشاهده مردم روستا از محل دور شدند. مردم روستا بلافاصله جمال را به بیمارستان امام خمینی سفز انتقال دادند و در تاریخ ۱۱/۱۰/۸۸ تحت عمل جراحی قرار گرفت و هم اکنون حال او خوب می‌باشد. این اولین بار نیست که رژیم اسلامی دست به ترور فعالین کارگری می‌زند. طی چند سال گذشته بارها به این اعمال

## با کمک مالی به کارگران زندانی نیشکر هفت تپه خانواده‌های آنان را تنها نگذاریم

فرصت مقتضی در اختیار مسئولین سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه قرار خواهد گرفت. اتحادیه آزاد کارگران ایران همچنان به جمع‌آوری کمک مالی برای کارگران زندانی نیشکر هفت تپه ادامه خواهد داد و همینجا بار دیگر عموم کارگران ایران را به حمایت مالی از کارگران زندانی نیشکر هفت تپه و مبارزه برای آزادی آنان از زندان فرا می‌خواند.

**زنده باد همبستگی کارگری اتحادیه آزاد کارگران ایران - ۱۴ دی ماه ۱۳۸۸**  
[www.ettehaeh.com](http://www.ettehaeh.com)  
[kekhraji@gmail.com](mailto:kekhraji@gmail.com)

۱۹,۸۳۰,۰۰۰ ریال معادل یک میلیون و نهصد و هشتاد و سه هزار تومان کمک به کارگران زندانی نیشکر هفت تپه کرده‌اند که از این مقدار کمک، مبلغ ۱۷,۵۰۰,۰۰۰ ریال معادل یک میلیون و هفتصد و پنجاه هزار تومان توسط سه نفر از مسئولین اتحادیه آزاد کارگران ایران (پروین محمدی، ناهید خداجو و شاپور احسانی راد) تحویل مسئولین سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه شده است و مبلغ باقی مانده کمکهای مالی جمع‌آوری شده‌ی تا کنونی، به همراه کمک ثابت ماهیانه اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران در

کمپین اتحادیه آزاد کارگران ایران برای جمع‌آوری کمک مالی به کارگران زندانی نیشکر هفت تپه لیست کمکهای مالی تاکنون جمع‌آوری شده توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران به کارگران زندانی نیشکر هفت تپه بدنبال فراخوان اتحادیه آزاد کارگران ایران برای جمع‌آوری کمک مالی به کارگران زندانی نیشکر هفت تپه، تا کنون در شهرهای سنندج، تهران، شمال کشور و برخی نقاط دیگر، کارگران اقدام به جمع‌آوری مبلغ

# مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!